

تسنیم وصال

تفسیر موضوعی قرآن کریم

توسط:

حضرت آیت الله محمد اسماعیل صائنی (ره)

گردآوری و تدوین:

روح‌اله قاسمی - مرتضی قاسمی

صاحب امتیاز:

مؤسسه قرآنی تسنیم زنجان

سرشناسه	: صائنی، محمد اسماعیل
عنوان و نام پدیدآور	: تسنیم وصال: تفسیر موضوعی قرآن کریم / توسط محمد اسماعیل صائنی (ره)؛ گردآوری و تدوین روح اله قاسمی.
مشخصات نشر	: زنجان : قلم مهر، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری	: ۱۶۰ ص.
شابک	: ۴۵۰۰۰ ریال: ۸-۴۵-۵۰۵۹-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
موضوع	: تفاسیر شیعه -- قرن ۱۴
موضوع	: قرآن -- بررسی و شناخت
شناسه افزوده	: قاسمی، روح الله، ۱۳۵۹ - گردآورنده
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۱ ص ۵/۵۹۸ BP
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۱۷۹
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۵۳۵۳۰۴

عنوان کتاب: تسنیم وصال: تفسیر موضوعی قرآن کریم

مؤلف: آیت الله محمد اسماعیل صائنی (ره)

گردآوری و تدوین: روح اله قاسمی - مرتضی قاسمی

ناشر: انتشارات قلم مهر

ویراستاری متن و صفحه آرایی: زهرا نصیری

صاحب امتیاز: مؤسسه قرآنی تسنیم زنجان

شابک: ۴۵-۵۰۵۹-۶۰۰-۹۷۸

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۱

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

قیمت: ۴۵۰۰۰ ریال

انتشارات قلم مهر



پیش‌گفتار دکتر محمد حسین صائنی «فرزند حضرت آیت‌الله صائنی (ره)»

بسم الله الرحمن الرحيم

«الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على محمد وآله الطيبين الطاهرين»

خدایوند متعال در آیه ۸۹ سوره مبارکه نحل می‌فرماید: «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ». می‌دانیم پیامبر گرامی اسلام در دوره حیات نورانی خویش مواردی از کتاب آسمانی را که نیاز به توضیح و تفسیر داشت، تبیین می‌فرمودند.

آیه ۴۴ سوره مبارکه نحل می‌فرماید: «وَأَنزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ»؛ به مقتضای مضمون این آیه شریفه تفکر و تأمل در حقایق تبیین شده کتاب بر عموم مؤمنین امری ضروری است که در نهایت سعادت، نجات و خوشبختی انسان مؤمن را تأمین خواهد کرد.

پس از اتمام دوران رسالت، صحابه بزرگوار و خصوصاً اهل بیت پیامبر گرامی اسلام (علیهم السلام) وظیفه تفسیر و تبیین کتاب را عهده دار شدند. مولی الموحدين و امیر المؤمنین علی (علیه السلام) در صدر مفسرین قرار دارد و ذیلاً آمده‌ها (علیهم السلام) هر یک به نوبه خود در این راستا کوششی بایسته داشته‌اند.

در پی ایشان علمای دین و دانشمندان علوم اسلامی و قرآنی در طی قرون و اعصار از همان آغاز نزول دین تا کنون هر کدام به نحوی در انجام وظیفه خود برای تفهیم، توضیح و تفسیر معارف الهی و قرآنی کوشیده و الحق آثار گران‌سنگی از خود به یادگار گذاشته‌اند؛ در قرون اخیر با پیدایش تفسیرهای متعدد و متنوع و نیز زایشی نو برای علوم قرآنی و آموزه‌های دینی این تلاش مستمر تداوم یافته است.

در عصر حاضر از طرفی فضای معرفتی و سطح دانش بشری بسیار گسترده شده و از طرف دیگر سوالات و اشکالات متعددی در مجامع علمی و اذهان نسل مشتاق و فرهیخته پدید آمده است که وظیفه علمای دین و مبلغین اندیشمند و فرزانه معارف الهی را سنگین‌تر می‌کند.

یکی از وجوه علمی معاصر نادره دوران، فرزانه زمان، حکیم الهی، جامع المعقول و المنقول، مفسر فرهیخته وحید و عالم برجسته فقید حضرت آیت الله حاج شیخ محمد اسماعیل صائنی (قدس الله نفسه الزکیه) می‌باشد که همه عمر شریف خود را برای دین و تبلیغ و ترویج آن صرف نمود. ایشان سال‌های متمادی در کنار سایر مشغله‌های علمی و تبلیغی، رأساً با علاقه و همت عالی به تفسیر قرآن کریم پرداخت و از جلسات هفتگی ثابت تا جلسات متعدد علمی دیگر و خطبه‌ها و سخنرانی‌های فراوان در این رابطه داشته‌اند که خوشبختانه بخشی از این آثار کلامی ایشان مضبوط

و باقی است و در اختیار علاقه‌مندان و مشتاقان قرار دارد. امید است همه این آثار بصورت مکتوب و مدون به زیور طبع آراسته گردد.

از جمله دروس قرآنی ثمین و ارزشمند ایشان مجموعه سخنرانی‌های عمیق و دقیق و البته عمومی و خطاب عام، تحت عنوان تفسیر موضوعی «انسان در قرآن کریم» است که با قبول زحمت دوستان در مؤسسه قرآنی تسنیم زنجان جهت ترجمه، کتابت، تدوین و ویرایش اجمالی (و فقهیم الله تعالی و دامت توفیقاتهم)، هم‌اکنون در اختیار خواننده گرامی قرار گرفته است. (آجرهم الله تعالی)

این مجموعه در حد خود بی‌نظیر و برای اهل فضل و مطالعه و جویندگان معارف ناب و دقایق و ظرایف خاص حتماً جالب و مفید خواهد بود. امیدوارم در ویرایش‌های بعدی بر آرایه‌های کلامی افزوده و از عیب و نقص بکاهیم و در انجام وظایف خود موفق باشیم. (انه ولی التوفیق)

دکتر محمد حسین صائنی

۱۳۹۰/۷/۹

پیش‌گفتار گردآورنده

بسم الله الرحمن الرحيم

قرآن کریم کتاب هدایت انسان‌ها در همه اعصار بوده و پهنه زمین و گستره زمان حوزه نورافشانی خورشید همیشه تابان این کتاب آسمانی است. قرآن کریم اختصاص به عصر خاص یا نژاد و اقلیم مخصوصی ندارد و نور هدایت آن تا آنجا که مرز بشریت است می‌تابد چنانکه خداوند در آیه ۳۱ سوره مبارکه مدثر می‌فرماید: «وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْبَشَرِ» و نیز در آیه ۵۲ سوره مبارکه قلم می‌فرماید: «وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ».

بنده در سال ۱۳۷۶ توسط حجت الاسلام حاج مهدی محبی که یکی از وعظ‌گرانقدر استان زنجان هستند با جلسات تفسیری و سلسله سخنرانی‌های مفسر اندیشمند، حضرت آیت الله محمد اسماعیل صائنی (رحمه الله علیه) آشنا شدم و با توجه به این که بنده در یک خانواده قرآنی و مذهبی و پایبند به اعتقادات دینی پرورش یافته‌ام و همواره آرزوی والدین ما این بود که فرزندانمان علاوه بر تحصیل مدارج علمی، به کسب معارف قرآنی نیز بپردازند، لذا با عنایت خداوند و زحمات پدر و مادر عزیزم که همواره دعای خیرشان عامل پیشرفت و ترقی ما بوده است توانستیم به این امر مهم دست یابیم و در کنار تحصیل علم به فعالیت‌های قرآنی مشغول شویم، بنده علاوه بر کسب فنون تلاوت و یادگیری قرائت قراء سبعه در محضر استاد فقید، بنده یاد علی اکبر کفعمی (رحمه الله علیه)، علاقه وافر به جلسات تفسیر قرآن داشتیم و اعتقاد بر این است که قرائت بدون تفسیر و بیان، توقف در الفاظ است در حالیکه خود قرآن کریم ما را به قرائت همراه با تدبر دعوت می‌کند؛ لذا بر آن شدم که سلسله مباحث مضبوط استاد گرانقدر آیت الله صائنی (رحمه الله علیه) را که به صورت تفاسیر موضوعی بحث شده بود، در قالب کاست‌های سخنرانی از نوارخانه مسجد رسول الله (صلی الله علیه و آله) زنجان به طور امانی تهیه کرده و صحبت‌های استاد بزرگوار را که به زبان ترکی بود به فارسی ترجمه کرده و به صورت مکتوب درآورم تا اگر توفیق حاصل شود و مورد تأیید ذات اقدس اله باشد بصورت مجموعه‌ای که هم‌اکنون ملاحظه می‌فرمایید مورد استفاده عموم علاقه‌مندان قرار گیرد.

مجموعه مباحث ارائه شده در کتاب حاضر از روی سخنرانی‌های مضبوط پیاده و ترجمه شده و چند بار توسط دوستان مورد ویرایش قرار گرفته است اما مسلماً خالی از ایراد و اشکال نمی‌باشد، لذا اگر بنده را با انتقادات و پیشنهادات سازنده خود یاری نمایید خالی از لطف نخواهد بود تا در چاپ‌های آتی رفع اشکال گردد. در اینجا شایسته می‌دانم از خانم‌ها مریم نورسینا و زهرا نصیری که بر حروف-چینی و ویرایش این اثر قرآنی اهتمام ورزیدند و نیز همه دوستانی که در به ثمر رسیدن این مجموعه نقش داشتند تقدیر و تشکر نمایم.

امیدوارم در پرتو قرآن و ولایت اهل بیت (علیهم السلام) که دو ثقل گرانبها و سفارش شده از سوی رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) هستند، کشور عزیزمان ایران همواره قرین عزت و پایداری باشد.

والحمد لله رب العالمین

روح اله قاسمی

۱۳۹۰/۶/۷ مقارن با ۲۷ رمضان المبارک ۱۴۳۲

www.ketab.ir

فهرست مطالب

۱	مقدمه
۷	مبحث اول: موقعیت و اعتبار انسان در عالم خلقت
۱۳	مبحث دوم: خلافت بالقوه و سجده ملائکه بر آدم
۱۹	مبحث سوم: حافظان انسان تا قیامت
۲۳	مبحث چهارم: انسان موجودی خصیم است
۲۷	مبحث پنجم: نفخ روح به کالبد آدم
۳۱	مبحث ششم: روح عامل شرافت انسان
۳۳	مبحث هفتم: خلقت انسان از خاک و تحولات بعد از آن
۳۷	مبحث هشتم: ورود آدم و حوا به بهشت
۴۳	مبحث نهم: هبوط حضرت آدم (علیه السلام)، حوا و ابلیس
۴۷	مبحث دهم: مشکلاتی که در اثر هبوط برای انسان پیش آمد
۵۱	مبحث یازدهم: توبه حضرت آدم (علیه السلام)
۵۹	مبحث دوازدهم: مقام معنوی حضرت آدم (علیه السلام)
۶۳	مبحث سیزدهم: مقام و موقعیت حضرت آدم (علیه السلام) نزد خداوند
۶۵	مبحث چهاردهم: «آدم» نام شخص است یا نام نوع؟
۶۹	مبحث پانزدهم: چگونگی پیدایش نسل بشر از حضرت آدم (علیه السلام) و حوا
۷۳	مبحث شانزدهم: رد فرضیه «تکامل انسان از موجودات دیگر»
۷۷	مبحث هفدهم: حضرت آدم (علیه السلام) اولین مخلوق از نوع انسان
۷۹	مبحث هجدهم: ملائکه موجودات غیر مادی و غیر جسمانی هستند
۸۱	مبحث نوزدهم: موقعیت ملائکه از نظر قرآن کریم
۸۵	مبحث بیستم: ملائکه از دیدگاه روایات اهل بیت (علیهم السلام)
۸۷	مبحث بیست و یکم: فرمایشات حضرت علی (علیه السلام) درباره ملائکه
۸۹	مبحث بیست و دوم: فرمایشات حضرت سجاد (علیه السلام) درباره ملائکه
۹۱	مبحث بیست و سوم: ملائکه علل غیبی و غیر مادی جهان
۹۳	مبحث بیست و چهارم: انسان افضل است یا ملائکه؟
۹۵	مبحث بیست و پنجم: انسان کامل افضل از ملائکه
۹۷	مبحث بیست و ششم: از ذات خداوند شر صادر نمی‌شود

۹۹	مبحث بیست و هفتم: ابلیس از نظر قرآن کریم
۱۰۳	مبحث بیست و هشتم: وسوسه ابلیس در اختیار انسان تأثیر ندارد
۱۰۷	مبحث بیست و نهم: ولایت ابلیس و جنود او بر کسانی که ایمان نمی‌آورند
۱۰۹	مبحث سی‌ام: علت بروز حوادث و شرور عالم
۱۱۱	مبحث سی و یکم: وجود ابلیس و شر لازمه این عالم است
۱۱۳	مبحث سی و دوم: مباحثه ابلیس و ملائکه
۱۱۹	مبحث سی و سوم: لزوم وجود انبیاء در جوامع انسانی
۱۲۵	مبحث سی و چهارم: اعجاز انبیاء برخلاف قوانین طبیعی عالم نیست
۱۲۹	مبحث سی و پنجم: قرآن کریم معجزه جاوید رسول اکرم (صلی الله علیه و آله)
۱۳۱	مبحث سی و ششم: تحلیل مسئله شفاعت
۱۳۳	مبحث سی و هفتم: معرفت اهل محبت به پروردگار از ناحیه خود خداوند است
۱۳۵	مبحث سی و هشتم: محبت الهی موجب ترک معصیت می‌شود
۱۳۹	مبحث سی و نهم: امتحان از نظر قرآن کریم
۱۴۳	مبحث چهلیم: آزمایش و امتحان الهی

مقدمه

برای هر نوشتار یک مقدمه بیان می‌شود، اولین نکته‌ای که باید در مقدمه تفسیر قرآن به آن اشاره کرد این است که قرآن از نظر مسلمانان بدون تردید کتاب آسمانی بوده که به صورت وحی بر پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) نازل شده است.

تمام مطالب، الفاظ و ترتیب آیات این کتاب آسمانی بر اساس وحی بوده و در عین حال خود مقوله وحی نیز یکی از موضوعات مورد بحث قرآن کریم است.

این کتاب آسمانی در مدت ۲۳ سال دوران رسالت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نازل شده است که نزول سوره‌های آن، تعدادی در مکه و تعدادی در مدینه، برخی در شهر، برخی ضمن مسافرت و راه‌ها و برخی دیگر در حال جنگ صورت گرفته است.

قرآن کریم پاسخگوی جامع همه احتیاجات انسانی است، به نحوی که این کتاب آسمانی در رابطه با هر موضوعی که انسان در زندگی فردی و اجتماعی با آن سر و کار دارد بحث کرده است؛ این مطلب بسیار جامع است و تفسیر آیات روشنگر آن خواهد بود.

خداوند در برخی از آیات قرآن کریم به جامعیت قرآن اشاره کرده است. از جمله آنها عبارتند از: آیه ۵۹ سوره مبارکه انعام که می‌فرماید: ﴿وَلَا رَظْوَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ﴾ و آیه ۸۹ سوره مبارکه نحل می‌فرماید: ﴿وَوَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ بَيِّنَاتٍ لِّكُلِّ شَيْءٍ﴾؛ در توضیح این آیه می‌توان گفت: منظور از «لکل شیء» همه آن چیزی است که انسان با آن در تماس بوده و با مسیر حیات، حقیقت وجودی و مراتب سیر انسان ارتباط دارد.

۱- و هیچ‌تر و خشکی نیست مگر اینکه در کتابی روشن [ثبت] است.

۲- این کتاب را که روشنگر هر چیزی است بر تو نازل کردیم.

قرآن درباره ملک، اجنه، زمین و آسمان‌ها و هر چیزی که انسان با آن تماس دارد بحث کرده است.

قرآن پیرامون عوالم مختلف از جمله عالم ذر، برزخ و قیامت نیز بحث کرده است. به تعبیر قرآن برای انسان قبل از عالم دنیا مرتبه‌ای از هستی وجود دارد که به آن «مثال قبل از طبیعت» یا به تعبیر روایات «عالم ذر» گفته می‌شود.

قرآن در رابطه با زندگی اجتماعی و انفرادی انسان سخن رانده و به ارتباط انسان با خداوند و به ابزارهای این ارتباط یعنی وحی، نبوت و امامت نیز پرداخته است.

این کتاب آسمانی عوالم، حالات انبیاء و گاهی قوانین ادیان گذشته را در قالب داستان بیان کرده و خصوصیات آخرت و هر چیزی که در مسیر انسان واقع می‌شود مانند صراط، میزان و شفاعت را متذکر شده است.

مسئله‌ای که گاهی برای ما مسلمانان مشکل ایجاد می‌کند این مطلب است که قرآن مطالب مربوط به یک موضوع را به شمه کتاب‌های دیگر به صورت پیوسته مطرح نکرده است. بطور مثال در رابطه با توحید یا قیامت و مباحث دیگر در سوره مشخصی بحث نشده، بلکه به یک موضوع در سوره‌های مختلف پرداخته است، بطوری که ممکن است مباحث یک موضوع در پنج سوره متفرق بیان شده باشد. از این رو اگر انسان بخواهد پیرامون یک موضوع مشخص به نتیجه برسد، باید همه سوره‌ها و آیاتی که بصورت پراکنده واقع شده‌اند را در یک جا جمع کند تا متوجه شود که قرآن کریم در رابطه با آن موضوع چه می‌فرماید.

گاهی در منبرها برای تبیین یک موضوع تنها به یک آیه استناد می‌شود، غافل از اینکه در همان موضوع آیات دیگری هم وجود دارد که اگر به آن آیه ضمیمه شوند مطلب نوع دیگری از قالب در می‌آید، اما اگر تنها یک آیه را در نظر بگیریم نتیجه آن فرق می‌کند. موضوع اراده انسان که آیات مختلفی در خصوص آن مطرح شده شاهد مثالی بر این مطلب است، بطوری که برخی از آیات، همه چیز را از ناحیه خداوند می‌داند که اگر درباره اراده انسان این آیات را در نظر بگیریم به مسئله جبر می‌رسیم و اگر به آیه ۳۸ سوره مبارکه مدثر که می‌فرماید: ﴿كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ﴾^۱ رجوع کنیم، معلوم می‌شود خداوند در کارهای انسان مداخله ندارد. در حالی که اگر آیات مربوط به این موضوع را در کنار هم قرار داده و آنها را مفسر یکدیگر در نظر بگیریم، این نتیجه بدست می‌آید که نه جبر صحیح است و نه تفویض، بلکه طبق فرمایش معصوم (علیه السلام) «امر بین الامرین» است،

یعنی از یک جهت خداوند دخالت دارد و از جهتی دیگر دخالت ندارد. به این ترتیب مسئله جبر و تفویض هر دو به کنار رفته و مطلب دیگر بنام «امر بین الامرین» از قرآن استخراج می‌شود.

مثال دیگر بر این که قرآن کریم به موضوعات بطور پیوسته نپرداخته، این است که خداوند در آیه‌ای از قرآن درباره ملائکه حالتی را بیان می‌کند و بعد مطلب را رها کرده و از حالات حضرت موسی (علیه السلام) سخن می‌گوید و بعد به موضوع تقوا می‌پردازد.

منشأ اکثر اختلافات و جدل‌های بین مفسرین و علمای علم کلام مسئله ناپیوستگی موضوعات در قرآن کریم بوده است.

حال اگر انسان درباره موضوعی فقط به یک آیه دقت کند، به یک معنی خواهد رسید و اگر به همه آیاتی که در سوره‌های مختلف به آن موضوع پرداخته شده است، دقت کند به معنی دیگری که کامل‌تر است می‌رسد. بطور مثال، هم کسی که به معاد جسمانی اعتقاد دارد به آیات قرآن استشهاد می‌کند و هم کسی که معاد جسمانی را انکار کرده و تنها معاد روحانی را می‌پذیرد قرآن را شاهد اعتقاد خود قرار می‌دهد، در حالی‌که درباره معاد آیات متعددی وجود دارد که هم درباره جسم و هم درباره روح سخن گفته است که اگر همه آن آیات را در کنار هم قرار دهیم نظر حقیقی قرآن در رابطه با معاد بدست می‌آید.

بعضی به دلیل پراکندگی مطالب در قرآن آن را کتابی ناپخته دانسته و می‌گویند: آیات قرآن با یکدیگر متعارض هستند، در حالیکه این طور نیست و حقیقت این است که اول قرآن به آخرش و آخر آن به اولش برمی‌گردد. به عبارت دیگر آیاتی که در رابطه با یک موضوع واحد نازل شده‌اند همگی مؤید و مفسر یکدیگر هستند و ما برای دریافت حقیقت آن موضوعات باید به تفسیر موضوعی قرآن بپردازیم.

موضوعات قرآن کریم به دو روش مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد. بر اساس یک روش، انسان به قرآن رجوع کرده و یک آیه را در رابطه با موضوع مورد نظر مطالعه می‌کند و بر اساس روش دیگر همه آیات مربوط به موضوع مورد نظر را جمع‌آوری و آنها را بر هم عرضه کرده و از این طریق مطلب را به دست می‌آورد.

مطالعه قرآن به روش اول دارای ایراد است چراکه در نتیجه این روش، قرآن یک کتاب پراکنده به نظر می‌رسد که این امر روح قرآن را می‌گسلد.

بدن انسان دارای اعضای مختلف از جمله دست، پا، کبد، کلیه، ریه و غیره است که این اعضا تشکیل دهنده یک واقعیت به نام کالبد انسان بوده و این کالبد دارای روح است که اگر روح را از آن بگیریم تمام اعضا از هم بی‌خبر خواهند شد. موضوعات قرآن کریم مانند اعضای آن است که ما باید تمام مطالب را در رابطه با موضوعات مختلف جمع و نقطه اصلی آنها را به هم مرتبط کرده و مرکز

موضوعات را مثل نقطه رأس گنبد که بر تمام ستون‌ها مسلط است به هم وصل کنیم، زیرا همانطور که اگر از روح دست بکشیم اعضای بدن از هم بیگانه خواهند شد، در رابطه با موضوعات قرآن نیز اگر از نقطه رأس دست بکشیم ستون‌ها از هم گسسته خواهند شد.

دو موضوع اساسی که می‌توان آنها را به عنوان مرکزیت قرآن معرفی کرد، مسأله توحید و انسان است، چراکه آیه‌ای در قرآن وجود ندارد که مسئله توحید را در مغز مطلب خود نداشته باشد و بشر را به طرف توحید دعوت نکند، بطوری که مسئله توحید مانند روح به کالبد قرآن کریم نفوذ کرده است. دومین مرکزیت که برای قرآن کریم می‌توان عنوان کرد موضوع انسان است. انسان نقطه ریزش قرآن بوده و همه آیات این کتاب آسمانی مانند قطرات باران به یک نقطه می‌ریزند که آن انسان است. تمام موضوعات مطرح شده در آیات قرآن کریم متوجه انسان بوده و بخاطر تربیت او نازل شده است.

حال که تمام موضوعات از جمله نماز، عرش، کرسی، برزخ، قیامت، ملائکه، شفاعت و سایر موضوعات قرآن کریم در ارتباط با انسان است، نباید سیر من الحق الی الخلق کرد بلکه باید سیر من الخلق الی الحق کرده و سیر را از انسان شروع کنیم چراکه تمام آیات این کتاب آسمانی برای انسان نازل شده است.

انسان مادر موضوعات، مجمع موضوعات، قلب موضوعات و مرکز دایره موضوعات است. همانطور که اگر یک دایره ترسیم کرده و مرکز آنرا مشخص کنیم، تمام خطوطی که از محیط دایره به داخل کشیده می‌شوند به مرکز دایره می‌رسند، انسان نیز همچون مرکز بوده و موضوعات قرآن محیط دایره هستند که همگی به انسان برمی‌گردند.

قرآن کریم دارای ۶۲۳۶ آیه و ۱۱۴ سوره است که همه مطالب آن مفسر یکدیگر هستند.

قرآن کتاب نور، جداکننده حق از باطل و فصل‌کننده زشت و پیا و هدی للمتقین است. علامه طباطبایی (رحمه الله علیه) در مقدمه «المیزان» می‌فرماید که قرآن کریم در آیه ۱۷۴ سوره مبارکه نساء خودش را با عنوان نور معرفی می‌کند: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا». «چنانچه ما یکتا نور را نازل کردیم و این معنا ندارد که قرآن برای مسائل دیگر هادی باشد ولی در مورد خودش چنین نباشد، نور قرآن در مورد خودش نیز هدایت‌کننده و روشن‌گر است بطوری که اگر در مفهوم یک آیه گم و ضال شویم در آیه دیگر ما را هدایت می‌کند و در واقع این کتاب آسمانی مفسر خود بوده و آیات خود را تفسیر می‌کند که در این رابطه امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «ينطق بعضه عن بعضه و يشهد بعضه على بعضه».

بطور مثال اگر در رابطه با ملائکه یک آیه در سوره بقره و آیه‌ای دیگر در سوره آل عمران وجود داشته باشد، این آیات یکدیگر را توضیح داده و به هم گواهی می‌دهند. قرآن کتابی است که علاوه بر غیر، بر خودش نیز دلیل است. این کتاب آسمانی مستقل، غنی و تام است که امام صادق (علیه السلام) در رابطه با این موضوع فرموده‌اند: هر حدیثی را که برای شما نقل کردند به قرآن عرضه کنید، اگر در قرآن ریشه داشت قبول کنید و اگر ریشه نداشت رد کنید.

www.ketab.ir